

سرنوشت امت ها



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء محمد

مصطفی و آل طاهرینش

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

(رعد ایه 11)

یقیناً خدا سرنوشت هیچ ملتی را [به سوی بلا، نکبت، شکست و شقاوت]

تغییر نمی دهد تا آنکه آنان آنچه را [از صفات خوب و رفتار شایسته و

پسندیده] در وجودشان قرار دارد به زشتی ها و گناه تغییر دهند

سرنوشت امت ها وابسته به عملکرد خودشان است. اینک در طول تاریخ

امت هایی بودند که عذاب شدند باید توجه داشت که خداوند امتی را

بدون دلیل عذاب نمی کند.

و امت هایی که سعادت مند بودند نیز وابسته به اعمال آنها بوده است.

امت هایی که از ولی خدا پیروی کردند. امت هایی که شجاع بودند .. امت هایی که استقامت کردند و اهل جهاد و مجاهدت بودند سعادتمند بودند.

برعکس امت هایی که از طاغوت ها پیروی کردند و ترسو بودند و اهل جهاد نبودند بدبخت شدند.

ضمناً این کتاب از پیاده کردن چهار سخنرانی اینجانب تهیه شده است لذا متن آن کتابی نیست بلکه مانند سخنرانی می باشد.

در این کتاب به عوامل سعادت و یا شقاوت امت ها پرداخته شده است.

زمستان 1403. کرمانشاه

خداوند چه امانتی را به انسان سپرد؟

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَيُّنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا
وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ۖ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا

(احزاب 72)

یقیناً ما امانت را [که تکالیف شرعیه سعادت بخش است] بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم و آنها از به عهده گرفتنش [به سبب اینکه استعدادش را نداشتند] امتناع ورزیدند و از آن ترسیدند، و انسان آن را پذیرفت بی تردید او [به علت ادا نکردن امانت] بسیار ستمکار، و [نسبت به سرانجام خیانت در امانت] بسیار نادان است.

موضوع این کتاب درباره سرنوشت امت ها و جوامع هست

آیه ای که آورده شد در سوره احزاب است. خداوند در این آیه شریفه یکی از مسائل بسیار مهم برای بشریت رو بیان کرده این آیه معروف است به آیه امانت ...

در این آیه خدا می فرماید که ما امانت رو بر آسمان ها و بر زمین ها و
بر کوه ها عرضه کردیم اون ها نپذیرفتن گفتن ما نمی تونیم از عهده
این امانت بریاییم ولی انسان قبول کرد و انسان ظلوم هست ظالم هست
و جهول است جاهل هست

می گن وقتی که امیرالمومنین می خواست نماز بخوانه می فرمود وقت
ادای اون امانتی است که خدا به عهده ما انسان ها گذاشته فرا رسیده ...
مراد از این امانت امانت بندگی هست طاعت هست عبودیت هست
خداوند از ما فقط یه چیز خواسته گفته شما این امانت رو انجام بده به سر
منزل مقصود برسان من همه چی بهت می دم

متأسفانه اولین کسی که این امانت رو بهش عمل نکرد پدر ما و مادر ما
آدم و حوا بودن این ها جز اولین کسانی بودند که در این زمینه سستی
کردن البته بعد جبران کردن

حضرت ادم توبه کرد و خداوند او را به عنوان پیامبر انتخاب کرد ولی
بعدها نسل حضرت آدم و حوا اکثریتشون به این امانت الهی عمل نکرد
مگر پیامبران از انسان ها چی خواستند که مردم در مقابل اونا ایستادن

اکثریت گوش به حرف پیامبران ندادن و نه تنها گوش به حرفشون
ندادن بلکه بعضی از پیامبران رو کشتند! در روایت است که بنی اسرائیل
در یک روز هفتاد پیامبر را سر بریدند حضرت نوح رو مردم اونقدر
کتک می زدند که تا سه روز بیهوش می افتاد و از گوش هاش خون می
آمد ولی در عین حال وقتی که به هوش می آمد باز شروع می کرد به
هدایت مردم

حضرت یحیی رو در حالی که در معبد مشغول عبادت بود سر بریدند و
به عنوان مهریه یک زن زناکار بردن

پدرش زکریا رو داخل تنه ی درخت گذاشتند و تنه رو با اره بریدن تا
زکریای پیامبر به دونیم شد.

البته حضرت عیسی هم می خواستند بکشند خدا او را به آسمان بالا برد
اینکه می فرماید که انسان **کان ظلوما جهولا**

اینا هستن این هایی که ظالم بودن اینایی که جاهل بودن یه کسی آمده
طبیعی اونا رو درمان کنه می زنند و این طبیب رو می کشن

پیامبران می گفتن ما از شما پول هم نمی خواهیم مزد نمی خواهیم ما به
شما پول هم می دهیم فقط شما بیایید و این عبودیت رو قبول کنید این
امانت رو که در عالم ذر قبول کردید این عهده که با خدا در عالم ذر
بستید سر عهد بمونید

باور کنید در طول تاریخ، اکثر ملت ها و امت ها نافرمان بودن فقط شاید
می توانیم بگیم دو تا قوم بودن که این دو تا قوم مطیع خدا بودن یکی
قوم حضرت یونس اونم اول نافرمانی کردن وقتی که آثار عذاب ظاهر
شد این ها افرادی توشون بود عاقل بودن مردم رو جمع کردن گفتن اگر
دیر بجنبید همون بلایی که سر اقوام گذشته آمد سر ما هم می آید
بیایید توبه کنید و اونا گوش دادن. توبه کردن و آدم های خوبی شدند
یکی هم مردم ایران

خیلی عجیبه در طول این حالا هزاران سال یه مردمی که همشون خوب
باشن مطیع باشن اکثریتشون مطیع باشن نداشتیم ظلموا جهولا مال
همین هست

خداوند امیرالمومنین را به عنوان حجت بعد از پیامبر منصوب کرد ولی
مردم ریختن و امیرالمومنین را در حال سجده کشتن. شهید کردن
بعد از امیرالمومنین خدا امام حسن را حجت خود قرار داد باز مردم امام
حسن هم را کشتن و همین طور تا امام زمان
اگر امام زمان هم غیبت نمی کردن حتما امام زمان هم به دست مردم
شهید شده بودند. یکی از مهم ترین علت های غیبت امام زمان علیه
السلام یعنی که حضرت شهید نشن بمونن چون اگر امام زمان هم شهید
می شد دیگه پایان عمر کره زمین فرا می رسید لولالحجه لصااخت
الارض باهلهها. اگر حجت نباشد زمین به اهلش فرو می رود. دیگه ادامه
حیات برای کره زمین حتی برای جهان هستی چون امام زمان امام
آسمان ها هم هست باقی نمی موند
این کلیات بود مقدمه بود بحثمون سر اینه که همون طوری که سرنوشت
هر فردی رو خودش تعیین می کنه طبق اعتقادات ما شیعیان سرنوشت
امت ها هم خود امت ها تعیین می کنند

مردمی که مطیع پیامبرشون مطیع امامشون باشند رستگار می شن
مردمی که مطیع هواهای نفسانی باشند مطیع شیاطین باشند، به فرمایش
امام صادق(ع) فرمود تعجب از مردمی که آب زلال رو رها کردن سراغ
آب گندیده گودال ها می رن یعنی امام صادق رو رها می کنن سراغ
ابوحنیفه ها که بی سوادن می رن امام صادق رو رها می کنند سراغ مالک
بن انس ها و احمد بن حنبل ها می رن

الان هم همین جوره

الان شما در کره زمین نگاه کنید یه میلیارد و خورده ای جمعیت چین
مشرک اند یا اصلا خدا رو قبول ندارن یا حالا بودایی هستن هر چی
هستن یکتا پرست نیستند

جمعیت ژاپن رو نگاه می کنید آیین شینتو رو اونا همینجور خدای کوه
ها خدای دریاها انواع خداهای مختلف میپرستند

بعد کشور هندوستان رو نگاه می کنید اینم همینجور نزدیک یک میلیارد
مردم هندوستان بت پرست هستند و انواع بت ها رو عبادت می کنند ...

ما هر چقدر خدا رو شکر کنیم که اولاً ایرانی هستیم شیعه اهل بیتیم و
صاحب داریم تنها کشوری که صاحب داره ایران

در هر حال همون طوری که سرنوشت هر کسی به عهده خودش خدا می
تونه همه رو مومن قرار بده ولی فایده نداره کسی مجبورا مومن باشه این
اختیار را به انسان داده **انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا** یعنی:

ماراه را به شما نشون دادیم خودت باید انتخاب بکنی غیر از حالا کسانی
که مستضعف فکری هستند غیر از کسانی که دیوانه هستند غیر از بچه
ها اونا رو کار نداریم ولی الان در دنیای فعلی کسی بگه من نمی دانستم
خدا ازش قبول می کنه بله یه زمانی بود مردم دسترسی نداشتن به راهنما
حتی به روحانی دسترسی نداشتند

اما الان اگر کسی بگه نمی دانستم دیگه قابل قبول نیست. یه پاکستانی با
یه آمریکایی از طریق فضای مجازی تماس داشت و اون رو مسلمان کرد
و اون آمریکایی سوار هواپیما شد رفت پاکستان تا از نزدیک کسی که او
را مسلمان کرده هدایت کرده ببینه

این امت هایی که خداوند در قرآن داستان هاشون رو ذکر می کنه
قرآن که کتاب داستان نیست خداوند ذکر می کنه که ما عبرت بگیریم
اصلا یکی از دستوراتی که خدا به ما داده گفته **فسيروا فی الارض فانظر**
کیف کان عاقبت المکذبین یعنی برید کره زمین رو سفر کنید منتها نه
سفر تفریحی بلکه سفری که ازش عبرت بگیرید سفری که عقلتون زیاد
بشه سفری که توجهتون به خدا زیاد بشه لذا سفرهایی که اولیا خدا
داشتند اصلا جنبه تفریح و استراحت نبود به قول بابا طاهر عریان: **به**
دریا بنگرم دریا تو بیرون به صحرا بنگرم صحرا تو بینم هر کجا نگاه می
کردن خدا را می دیدند از این خلقت خداوند عبرت می گرفتند...

تسلیم مستکبرین بودن ملت ها سرنوشت بدی را برایشان رقم می زند...

یکی از مسائل مربوط به سرنوشت امت ها اینه که الان مثلا ما نگاه می کنیم کشورهایی هستند که به جای اینکه در مقابل ظالم بایستند در مقابل مستکبرین بایستند ولی حالت خاکساری پیدا کردند و مطیع ظالمین شدن

ببینیم چقدر سرنوشت این ها سرنوشت بدی هست حالا نمونه اش هم مثلا کشور اوکراین نگاه بکنید که علاوه بر اینکه از نظر اعتقادی و دینی به جایی نرسیدن از نظر مادیاتم اینا نابود شدن

اما جمهوری اسلامی که پیرو قرآن هست و هر آنچه که قرآن می گه به
اون عمل می کنه در این اوج از عزت و عظمت قرار داره

ما در لشکر علی بن ابیطالب قم که بودیم فرمانده ما شهید زین الدین بود
ایشون سخنرانی که می کردند در حالی که شاید سنشون بیست و سه
چهار سال بیشتر نبود خیلی به آیات قرآن و احادیث مسلط بودن مابا
این که ما طلبه بودیم تعجب می کردیم که مثلاً به جوان درس حوزه هم
نخونده ولی چقدر مسلطه یکی از مطالبی که ایشون گفتند این بود که
رزمنده ها من هر موقع سحرها بلند می شم و می بینم که شما مشغول
نماز شب هستید نتیجه می گیرم که در عملیات بعدی پیروز میشویم و
هر موقع سحرها بلند می شم و می بینم که شما خواب هستید اکثریت
خوابن نتیجه می گیرم در عملیات بعدی دچار مشکل می شویم

این حرف یک نظامی هست یک نظامی انقلابی یک نظامی تزکیه شده
یک نظامی که در مکتب حضرت امام شاگردی کرده

ملت هایی که حرفشون این باشه که ما باید اهل نماز باشیم اهل عبادت
باشیم واقعا این شهدای ما اکثرشون اینجور بودن مثلاً شهید خرازی

روضه حضرت زهرا رو گوش داد بیهوش شد نتونست طاقت پیاره روضه
ایشون رو

ولی همون توسلی که ایشون انجام داد منجر به پیروزی در اون عملیات
شد توسلات و توجهات به امامان که نماینده های خداوند هستند و
اطاعت از اونارو خدا از ما خواسته از امت ها این رو خواسته گفته شما
اگر می خواهید سعادت مند بشید من این نماینده ها رو که می فرستم
ازش اطاعت کنید ولی این مردم اینقدر بی حیا بودن با پیامبران می
جنگیدن!

شما ببینید در جنگ جمل جمع شدن با محور زمین و آسمان یعنی
امیرالمومنین دارن می جنگن دور یه زن پیرو هوای نفس یعنی عایشه
جمع شدند و عجیبه آنقدر هم به این طن اعتقاد داشتن به این عایشه می
گویند هرچقدر امیرالمومنین افراد رو می فرستاد که این پای شتر رو
بزنن که شتر بیفته این شتر بت ایناست افراد اون جلو وای می ایستادن
اونا پاشون قطع می شد می رفتن یکی دیگه می آمد وای می ایستاد دو تا
دیگه می آمدن پای اونا رو قطع می کردن دوباره افراد دیگه می اومدن

نقل شده تا هفتاد نفر می گاه آمدن مقابل شتر عایشه وایستادن که این شتر نیفته این بت نیفته مثل همین منافقین هستن که حاضرن مثلا آیت الله اشرفی رو شهید کنن خودشون هم کشته بشن. فدایی شرک بودن فدایی شیطان بودن در حقیقت ...

در روایات ما هست که خدا مثل طبیب دلسوز می خواد ما بشر ها ما انسان ها تو تاریکی نیفتیم تو دره نیفتیم به کمال برسیم و انواع ابزارهایی برای اینکه ما به کمال برسیم در اختیار ما قرار داده که اولینش پیامبران و کتاب های آسمانی است بعد هم دیگه عقلی که در ما قرار داده ،فطرتی که در ما قرار داده، علمایی که هستند و ما رو راهنمایی می کنند...

پس سرنوشت هر امتی و هر مردمی به عملکرد خودشون مربوط میشود.

مثلا مردم مدینه دو تا چهره داشتند یک چهره زمان پیامبر که خیلی به پیامبر کمک کردند ولی همین مردم مدینه بعد از رحلت پیامبر هر چقدر امیرالمومنین فاطمه زهرا رو سوار شتر می کرد شب ها در خانه هاشون

می رفت که غدیر رو به یاد اون ها پیاره اینا متاسفانه حاضر به شهادت
دادن و کمک به ولایت نشدن و ولایت کنار زدن

ما می توانیم بگیم که در بین مصیبت هایی که بر امت ها پیش آمد حالا
که از قوم نوح بگیرید و قوم عاد و قوم لوط و مانند این ها، بزرگ ترین
مصیبت مال ما مسلمان هاست این مصیبت از تمام مصیبت ها بزرگ تره
چون اگر ولایت در جای خودش قرار می گرفت الان تمام کره زمین همه
مطیع خدا بودند . مردم چین همه موحد بودن مردم هند همه موحد بودن
مردم دنیا همه موحد میشدند اگر مردم به همان بیعتی که در غدیر خم
با ولایت کردند سر همان بیعت می ماندند...

ناشکری و کفران نعمت از عوامل نابودی امت ها

یکی از عوامل نابودی بعضی از امت ها ناشکری بوده است که خداوند در چند جای قرآن از جمله در سوره سبا اشاره کرده که:

کسانی که بجای شکر از خدا، ناسپاسی می کنند اینها هم سرنوشت بدی دارند..15سبا..لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ
كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلَدَهُ طَيِّبَهُ وَ رَبُّ غَفُورٌ

فَاعْرِضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَ بَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِيْ
أُكُلِ خَمْطٍ وَ أَثْلٍ وَ شَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ 16

ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَ هَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ 17

:ترجمه

- برای قوم «سبا» در محل سکونتشان نشانه ای (از قدرت الهی) بود: 15
دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم؛ و به آنها
گفتیم:) از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جا آورید؛ شهری
!(است پاک و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده (و مهربان

- اما آنها (از خدا) روی گردان شدند، و ما سیل ویرانگر را بر آنان 16
فرستادیم، و دو باغ (پر برکت) شان را به دو باغ (بی ارزش) با میوه های
تلخ و درختان شوره گز و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم

- این کیفر را به خاطر کفرانشان به آنها دادیم؛ و آیا جز کفران 17
...کننده را کیفر می دهیم

قوم سبا مردمی بودند که ما به اون ها همه جور نعمت دادیم ولی کفران
کردند

بنابراین شکرگزاری خیلی مهمه من به دو نمونه از افراد شاکر اشاره می کنم که اینا به خاطر اینکه شاکر بودن به یه درجات خیلی عجیبی رسیدند یکی از اون ها یه پیرزنی هست چرا پیرزن از عیسی نزد خدا محبوب تر بود؟

وقتی حضرت عیسی علیه السلام از خداوند درخواست کرد کسی را به او نشان دهد که نزد خدا محبوب تر از او باشد، خداوند عیسی را به پیرزنی که در کنار دریا زندگی می کرد راهنمایی نمود. وقتی عیسی علیه السلام به سراغ آن خانم آمد، دید در خرابه ای زندگی می کند و با بدنی فلج و چشمانی نابینا در گوشه ای رها شده است. وقتی حضرت عیسی علیه السلام جلوتر رفت ودقت کرد، دید پیرزن مشغول ذکری است

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ الْمُجْمِلِ الْمُكْرِمِ»

خدایا شکرت که نعمت دادی، کرم کردی، زیبایی دادی، کرامت دادی

حضرت عیسی علیه السلام تعجب کرد که او با این بدن فلج که فقط دهانش کار می کند، چرا چنین ستایش می کند؟ با خود گفت که او از اولیای خداست و من بی اجازه وارد خرابه شدم؛ برگردم، اجازه بگیرم و

بعد داخل شوم. به دم خرابه باز گشت و گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّةَ اللَّهِ»

پیرزن گفت: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رُوحَ اللَّهِ». عیسی پرسید: خانم! مگر مرا

می بینی؟

گفت: نه. پرسید: پس از کجا دانستی که من روح الله هستم؟ پیرزن

گفت: همان خدایی که به تو گفت مرا ببین، به من هم گفت چه کسی می

آید. عیسی با اجازه آن خانم وارد خرابه شد و پرسید: خداوند به تو چه

داده است که این قدر تشکر می کنی؟ تشکر تو برای چیست؟ پیرزن

گفت: یا عیسی، آن چه به من داده بود از من گرفت، آیا همین طور پس

گرفته است؟ آیا وقتی می خواست آن را از من بگیرد به من نگاه نکرد؟

عیسی گفت چرا نگاه کرد. پیرزن گفت همین برایم کافی است...

مورد دوم

تا حالا اینجوری از خدا تشکر کردید؟

روزی حضرت داوود از خدا خواست که همنشینش در بهشت را به او [؟]

نشان بدهد.

از جانب خدا ندا رسید که

فردا از دروازه شهر بیرون برو. اولین کسی که میبینی همنشین تو در بهشت است.

روز بعد حضرت داوود همراه پسرش حضرت سلیمان از شهر خارج ☐ شد. پیرمردی را دید که پشته هیزمی بر دوشش گذاشته، از کوه پایین آورده تا بفروشد.

پیرمرد که متی نام داشت کنار دروازه وایساد و فریاد زد: کی هیزم ☐ میخواهد؟

یک نفر پیدا شد و هیزمش را خرید.

حضرت داوود پیش او رفت و سلام کرد و گفت: آیا ممکن است، امروز ؟
ما را مهمان کنی؟

.پیرمرد پاسخ داد: مهمان حبیب خداست. بفرمایید

سپس پیرمرد با پولی که از فروش هیزم به دست آورده بود مقداری ؟
گندم خرید

وقتی به خانه رسیدند گندم ها را آسیاب کرد و سه عدد نان پخت و ؟
جلوی مهمان ها گذاشت

وقتی شروع به خوردن کردند پیرمرد هر لقمه ای که میخورد اولش ؟
بسم الله و در آخرش الحمدلله میگفت

وقتی ناهار مختصر آنها به پایان رسید دستش را به طرف آسمان بلند [?]

کرد و گفت: خداوندا

هیزمی که فروختم، درختش را تو کاشتی، آن را تو خشک کردی، نیروی [?]

کندن هیزم را تو به من دادی،

مشتري را تو فرستادی که از من هیزم را بخرد و گندمی که خوردیم

.بذرش را تو کاشتی، وسایل آرد و نان پختن را هم تو به من دادی

در برابر این همه نعمت من چه کرده ام؟ [?]

.پیرمرد این حرفا را میزد و گریه میکرد [?]

حضرت داوود نگاهی به حضرت سلیمان کرد که [?]

همین معرفت و قدرشناسی او از خداوند علت اینست که او با پیامبران

محشور میشود...

خانم دباغ می گه من دیدم حضرت امام می خواست غذا بخوره از لای
درب نگاه کردم دیدم که حضرت امام چیکار می کنه دیدم هر لقمه ای
که حضرت امام برمی داره اول یه دعایی می خونه بعد می خوره دوباره
لقمه ی دوم همین جور...

بنابراین ما اگر بتوانیم در زندگیمون شاکر باشیم حالا افراد شکر گزار
مختلفند بعضی ها خیلی واقعا شکر گزارند بعضیها کم شکر گزارند...
در هر حال تشکر از خدا باعث می شه که نعمت ها بر ما سرازیر بشه و
سرنوشت ما سرنوشت خوبی باشه مخصوصا یک امتی یک ملتی اینجور
باشن یه مردمی فرهنگ شکرگزاری رو داشته باشن

امیدواریم به برکت جمهوری اسلامی یواش یواش این فرهنگ های
خوب جایگزین بشه ...

در روایت داریم خداوند قومی رو عذاب کرد و یک کودکی گفت
الحمد لله رب العالمین بچه ای خداوند به خاطر این ذکری که کودک
گفت چهل سال عذاب رو از آنها برداشت...

پس یکی از عوامل تغییر سرنوشت ملت ها اینه که مردم کفران نعمت
نکنند مثلا شما می روید مهمانی های مراسمات عر.سی یا عزا و غیره.
در مهمانی ها معمولا غذای زیادی اسراف میشود. و اسراف عامل از بین
رفتن نعمت هاست.

اسراف ناشکری خداوند است و این باعث می شه خدا نعمت رو از ما
بگیره

پیامبر اسلام رد شدن دیدن سعد داره وضو می گیره ولی آب زیاد می
ریزه فرمودند سعد اسراف نکن عرض کرد یا رسول الله مگر تو وضو
گرفتن هم اسرافه؟

فرمود بله

حضرت امام با سه مشت وضو می گرفتند یه مشت برا صورت یه مشت
برا دست راست یه مشت برا دست چپ ...

آیت الله قاضی یه روز جمعه ای آمدند در حضور علما گفتن می خوام
غسل جمعه انجام بدم

دیدند یه دونه کاسه آورده توش آبه با یه پارچه یه لنگ هم بسته در
حضور علما یه پارچه خیس کرد به سر و گردنش خیس کرد بعد پارچه
رو خیس کرد سمت راست و از زیر لنگ غسل داد. بعد دوباره سمت
چپ و فرمود اون غسلی که پیامبر گفته این بود که من انجام دادم!
بنابراین یکی از عواملی که نعمت ها رو خدا می گیره همین مسئله
ناشکری است...

ترسو بودن امت هاست عامل بدبختی است...

عامل دیگر که در سرنوشت امت ها نقش دارد که خیلی مسئله مهمی است، ترسو بودن امت هاست امت هایی که ترسو هستن اینا معمولا بدبخت می شن ولی مردمی که شجاع هستن اینا معمولا در مسیر درست حرکت می کنن البته بشرطها و شروطها

من نمونه مثال می زنم مردم کوفه مردم ترسویی بودن ابن زیاد با دو نفر وارد کوفه شد راحت می تونستن مردم کوفه حسابش رو برسند ولی شایع کرد که لشکر شام تو راهه و مردم کوفه رو ترساند و کاری کرد که همین مردم آمدند و بزرگترین مصیبت رو برای امام حسین علیه السلام و سبط اصغر پیامبر رقم زدن و ننگی برای خودشون خریدن به فرمایش حضرت زینب که این ننگ تا روز قیامت پاک نمی شه علتش ترسو بودن ولی برعکس مردم ایران مردم شجاعی است

روز هشتم آبان ۱۳۵۹، حسین فهمیده نوجوانسیزده ساله ایرانی که در جبهه خرمشهر حاضر بود مشاهده کرد که پنج تانک عراقی، مغرورانه رجز می خواندند و پیش می آمدند تا رزمندگان ایرانی را محاصره کنند و بعد همه شان را به قتل برسانند.

تنها راه پیش روی حسین فهمیده، فداکردن خودش برای نجات همرزمانش بود. حسین سیزده ساله، آخرین نارنجکهای باقیمانده را به خود بست و به سمت تانکها حرکت کرد. در همین فاصله، تیری به پای حسین خورد اما او کوتاه نیامد. با همان پای زخمی، کشان کشان خودش را به اولین تانک رساند و ضامن نارنجکها را کشید.

با صدای انفجار تانک جلویی، چهار تانک دیگر، با این خیال که رزمندگان اسلام حمله کرده اند، فرار را برقرار ترجیح دادند. بقیه رزمنده ها تازه متوجه نقشه دشمن برای محاصره شان شدند. آنها با فکر اینکه نیروی کمکی آمده، جان تازه ای گرفتند و چهار تانک در حال فرار را هم نابود کردند. مدتی بعد، نیروهای کمکی به خط مقدم رسیدند و آن قسمت را، از لوث وجود متجاوزان بعثی پاک کردند.

یکی از همان روزهای سرد پاییزی، ساعت هشت صبح، رادیو برنامه های عادی اش را قطع کرد و خبر عملیات شهادت طلبانه یک دانش آموز سیزده ساله را پخش نمود. پشت آن، پیام حضرت امام را خوانند: «رهبر ما آن طفل سیزده ساله ای است که با قلب کوچک خود - که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است - با نارنجک، خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید

شجاعت بانوی گیلانغربی

بانوی گیلانغربی بنام فرنگیس حیدرپور که در دفاع مقدس دونفر سرباز عراقی را یکی را کشته و دیگری را اسیر کرد

که حالا مجسمه اش هم در یکی از پارک های کرمانشاه است

خب این شجاعت ها بود که باعث شد رزمنده های اسلام پیروز شوند یکی از افسران اسیر عراقی که اینا جز گارد ریاست جمهوری بودن آدمای هیکل دار و آموزش دیده بودن حرفه ای بودن گفت ما وقتی که شما حمله کردی دیدیم یه آدمای چند متری دارن به طرف ما میان و آنچنان دچار رعب و ترس شدیم که خودمون رو تسلیم کردیم بعد

دیدیم هرچی شما نزدیک تر می شید کوچک تر می شید یه دفعه
دیدیم یه نوجوان چهارده ساله یک کلاش دستش این آمد ما رو اسیر
کرد!

یا اصحاب امام حسین اگه ترسو بودن آیا می تونستن یک همچو حماسه
ای رو در تاریخ ثبت کنن جزء اولیاء خدا بشوند؟

امام حسین می گه من اصحابی وفادارتر از شماسراغ ندارم

یه همچو تعریفی امام معصوم از اصحاب خود بکنن

حضرت علی می فرماید الشجاعه زین و الجبن شین یعنی شجاعت
زینته ولی ترسو بودن ننگه

نباید مومن ترسو باشه. مومن ترسو نیست

عوامل شجاعت مختلف است. یک عاملش وراثتی هست مثلا پدر که
شجاع باشه پسرهم شجاع میشه. همون طوری که حضرت امیرالمومنین
به عقیل گفت برای من یک زنی بگیر که از قبیله ای شجاع باشه حالا
قبیله شمر مثلا قبیله شجاعی بودن قبیله بنی کلاب و فاطمه بنی کلایه رو

برای حضرت علی عقیل خواستگاری کرد که بعد شد ام البنین و به
همچون شخصیت هایی مانند قمر بنی هاشم از دامن این زن و از دامن
امیرالمومنین تربیت شد

مادر باید از خانواده شجاعی باشه تا فرزند هم شجاع بار بیاد.

حضرت امام فرمودند من در تمام عمرم از چیزی نترسیدم چون پدر
ایشون آیت الله سید مصطفی که شهید شدند خیلی شجاع بود با خان های
خمین و اراک در افتاد و اونا هم البته ایشون رو به شهادت رساندند
بنابراین یکی از عواملی که باعث می شه سرنوشت اقوام و انسان ها
عوض بشه **ترسو بودن** است!

همون مردم کوفه که عاقبت به شر شدن بدبخت شدن و مورد لعن قرار
گرفتن در دنیا و آخرت که ما در زیارت عاشورا مرتب اینا رو لعن می
کنیم حالا از عمر سعد گرفته تا هر کسی که با اینا همکاری کردن علتش
اگه اینا ترسو نبودن شجاع بودن همچو ننگ بزرگی انجام نمی دادند...

لذا باید کسانی که ترسو هستن بیان در این رابطه که چیکار کنیم
راهکار اینکه ترس رو از خودمون دور کنیم چیه؟

پرسیدن از مثلاً بزرگان دین چرا ما از مرگ می ترسیم چون یکی از ترس ها ترس از مرگه همین باعث می شه که آدم زیر بار ننگ بره همون خب برای اینکه شما دنیا رو آباد کردید، آخرت رو خراب کردید کسانی که وابستگی دنیوی دارن اینا ترسشون بیشتر از دیگرانه

مسجد مهمان گش...

در زمان های قدیم، مسافران در راه مانده به مساجد می رفتند تا شب را در آنها سپری کنند، اما هر مسافر و مهمانی که برای اقامت شبانه وارد مسجدی در شهرری می شد، صبح روز بعد، پیکر بی جاناش را از آن بیرون می کشیدند! به همین دلیل، به اینجا مسجد آدمکش یا مهمان کش می گفتند که در آرامگاه ابن بابویه شهرری قرار داشت

این موضوع سبب شده بود تا اهالی شهرری، مسافرها را از ماندن در این مسجد منع کنند. برخی می گفتند این مسجد جن دارد و اجنه هرکسی را که در این مسجد بخوابد، می کشند. این حرف ها باعث شد تا فردی به اسم ماشاءالله تصمیم به رازگشایی از این موضوع کند. خیلی ها سعی

کردند او را از این کار منصرف کنند، اما ماشاءالله شب وارد مسجد شد و آنجا خوابید. او نیمه‌های شب صداهاى عجیب و خوفناكى در مسجد شنید و تا مرز قالب تهى کردن پیش رفت. صدا از روزه‌ای می‌آمد و او را می‌ترساند. با کمی دقت متوجه شد این صداها در اثر وزش باد در روزه تولید می‌شود و بی‌شک همین عامل سبب ترس، سگته و مرگ کسانی می‌شود که شب را در این مسجد می‌خوابند. ماشاءالله با تیشه و کلنگ به جان روزه افتاد تا آن را خراب کند، اما به یکباره مقدار زیادی سکه بیرون ریخت. او از آن پس ثروتمند شد و به همه داستان‌های عجیب و غریبی که مردم از این مسجد می‌گفتند پایان داد.

صبر و استقامت عامل سعادت امت ها

صبر و استقامت از عوامل مهم سعادت است. اگر پیامبر اسلام صبور نبود اگر امیرالمومنین که فرمود بیست و پنج سال مانند کسی بودم که استخوان در گلو و خار در چشم بودم اگر حضرت علی صبر نداشت آیا پیروز می شد اگر زینب کبری صبر نداشت پیروز می شد مردمی که صبور هستند با استقامتند پیروزند

مثلا می گن مردم ایران صبورن چرا مثلا می گه یه زن می یاد یه قالی می بافه چهار سال پنج سال طول می کشه تا این قالی تمام بشه در حالی که طرف با یه تلفن پول ده تا یه قالی رو به جیب می زنه یا زعفران اینایی که زعفران میکارند خیلی توش صبر می خواد تا این زعفران واقعا استحصال بشه و برای مصرف کننده آماده بشه ولی داریم مردمی که این کار رو انجام می دن

بنابراین صبر خیلی مهمه حضرت امام چهارده سال در تبعید بودند صبر کردند یواش یواش تا توانستند میوه رهبری انقلاب رو به نتیجه برسانند در روایات ما داریم که می گه ایمان دو نیمه دارد یک نیمه اش صبره

یک نیمه اش شکره و آدم هایی که صبور هستند می توانند امیدوار باشند که جزو مفلحون و جزو فائزون باشند رستگار بشن ولی آدمی که صبر نداره هر آن احتمال داره کافر بشه یعنی ما الان آدمایی سراغ داریم در همین جا خانواده ای بودن پسری داشتن قاری قرآن تصادف کرد از دنیا رفت پدر و مادر کلا نماز رو کنار گذاشتن !

آدمایی هستن بر اثر نداشتن صبر کافر می شن این خدا رو دیگه می گن ما به اصطلاح دیگه قبول نداریم چرا خدا این بلا رو سر ما آوردن به ما پیام می دن می گه خدا ما رو فراموش کرد یا میگند خدا عادل نیست! بر اثر نداشتن صبر کفر میگند!

مثلا شخصی حاجتی داره این حاجتش برآورده نمی شه کافر میشه!

ولی کسانی که صبورند مورد عنایت خداوند قرار می گیرند.

خداوند حضرت ایوب را هفت سال دچار انواع بلاها کرد و حضرت ایوب در این امتحان الهی سربلند بیرون آمد

استاد امام حضرت آقای ملکی تبریزی پسر طلبه ای داشتند آقای میرزاد جواد ملکی تبریزی هر سال عید غدیر تو خانه شون جشن می

گرفتن یه سالی ایشون جشن گرفته بودن روز غدیر پسر طلبه شون
رفتن از آب انبار آب بیارن اونجا خفه شدن تو آب یه دفعه ایشون در
حالی که مردم آمده بودند خانه دید صدای جیغ زن ها بلند شد گفت چه
خبره گفتن که پسر شما مرحوم شدند!

ایشون گفت صداش رو در نیارید عید حضرت امیر رو خراب نکنید
مردم می آمدند می رفتن خبر نداشتن ایشون عزاداره وقتی که مردم
عادی رفتن و اصحاب خاص ایشون باقی ماندن ایشون این جمله رو
گفتن . ایشون گفت چون من هر سال عید غدیر برای حضرت امیر
جشن می گیرم امسال حضرت امیر به من عیدی دادند

در این مصیبت هاست که با صبرمون می تونیم به درجات بالا برسیم
هر کس هم مومن تره امتحانش سخت تره اون که مقرب تر است جام
بلا بیشترش می دهند

امام حسین علیه السلام در قتلگاه می گفت صبرا علی بلاءک. لا معبود
سواک. یا غیاث المستغیثین

حالا سیصد عضو حضرت مجروح. پسرانش رو از دست داده. برادرانش
رو از دست داده. هیجده نفر از بنی هاشم شهید شدند. اصحابش رو از
دست داده ولی همچنان صبور است...

نقش حاکمان و عالمان و خواص جامعه در سرنوشت جوامع

بزرگان ما گفتن که دو دسته هستند که اینا اگر خوب باشن جامعه خوب می شه و اگر بد باشن جامعه بد می شه یکی ملوک هستن پادشاهان هستند حاکمان هستند معروفه می گه **که الناس علی دین ملوکهم** یعنی مردم بر دین پادشاهانند

متأسفانه کسانی که پادشاه می شن حالا غیر از حضرت سلیمان و حضرت داوود و حضرت طالوت. اینها چون پیامبر بودند معصوم بودند پادشاه هم می شدن ظلم نمی کردند و جامعه را به طرف کمال هدایت می کند ولی پادشاهان در سراسر دنیا مخصوصا در ایران همه ظالم بودند

حضرت امام معتقد بود که ما یک شاه خوب نداشتیم در طول این دو هزار و پونصد سال یا بیشتر هر چقدر ما شاه داشتیم سلسله های مختلف یه دونه شون پیدا نمی شه که یه آدمی باشد که در کمال جامعه در اصلاح جامعه در ارتباط مردم با خداوند نقش آفرینی کرده باش البته بعضی هاشون بدتر از هم بودن بعضیشون یه مقداری بهتر مثلا در یه دوره ای خوب بودن ولی بعد ادم خیلی بدی شدند...

من اشاره می کنم به نادرشاه ،نادرشاه که اهل تکاب بوده در آذربایجان
ایشون در زمانی به پادشاهی رسید که ایران در تصرف بیگانگان افغان
ها اومدند و آخرین شاه صفویه سلطان حسین رو برداشتن و محمود خان
افغان شد پادشاه ایران روس ها هم قسمتی از ایران رو اشغال کرده
بودند ازبک ها هم قسمتی دیگر از ایران را اشغال کرده بودند و...
نادرشاه شجاع بود آدم شجاعی بود آدم واردی بود در مدت کوتاهی
افغان ها را شکست داد از ایران بیرون کرد روس ها رو شکست داد تا
قلب اروپا پیش رفت هندوستان رو گرفت و خلاصه یک حکومت قوی و
خوب در ایران تشکیل داد این مرحله اولش عالی بود. شاه خوبی بود! اما
یواش یواش شروع کرد به ظلم کردن و کار به اونجا رسید که از فامیلا
خودش شبانه بهش حمله کردن و او رو کشتن یه همچون پادشاهی که
این همه خدمت کرد در اول به ایران ولی در آخر شروع کرد به ظلم
کردن

بچند نمونه از ظلم های ایشون اشاره میشود:

یکی اینکه ایشون در جنگ یک دفعه اسبش کشته شد و خودش در
معرض کشته شدن قرار گرفت .یه سربازی سریع آمد اسبش رو تقدیم
شاه کرد گفت جان من فدای شما

نادرشاه بش گفت من بعد از جنگ به شما پاداش میدم تو جان منو
نجات دادی

بعد از جنگ این سرباز به قول معروف بخت برگشته هی می آمد جلوی
چادر نادر تا نادر اینو ببینه بالاخره اون قولی که داده بش عمل کنه یه دو
سه باری که اومد نادرشاه عصبانی شد گفت چشمای این رو در بیارید
هی داره به من نگاه می کنه !

چشمای بیچاره سرباز رو دراوردند و کورش کردند!

یا اینکه در یک مجلسی به پسرش امام قلی بدین شد گفت کورش
کنید کورش کردن بعد رو کرد به حاضران و گفت چرا وقتی من گفتم
این رو کور کنید شما وساطت نکردید شما شفاعت نکردید پنجاه نفر از
اینها رو کور کنید پنجاه نفر از حاضرین مجلسش که حالا از وزراش
بودند از مشاورینش کور کردند!

از این ظلمها زیاد می کرد

خواب نادرشاه افشار

نادر شاه افشار شبی بسیار استرس داشت و خوابش نمی برد و راه می رفت. معین الممالک که از اصحاب سرّ نادر شاه بود علت را از نادرشاه می پرسد. نادر شاه این گونه بیان می کند که جوان بودم و شبی در خواب دیدم که دو فرشته با عزت نزد من آمدند و به من گفتند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با شما کار دارد. نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفتم و ایشان دو شمشیر به کمرم بستند و فرمودند تو حاکم خواهی شد اما به مردم ظلم نکن. از آن شب به بعد اتفاقی افتاد و من به قدرت رسیدم و حاکم شدم. امشب همان دو فرشته را در عالم خواب دیدم که غضب آلود بودند و گفتند: پیامبر (صلی الله علیه و آله) با تو کار دارد و من را به زور نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بردند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) خشمگین بود و پرسیدند مگر نگفتم به مردم ظلم نکن. آن

دو شمشیر را از کمرم باز کردند. احساس می کنم امشب قرار است که
اتفاقی بیفتد. سحر عده ای ریختند و سر از تن نادرشاه جدا کردند.

البته این نکته رو بگم که پادشاهان گذشته ظلم می کردند ولی با دین
مبارزه نمی کردند حتی پادشاهان قاجار هم با دین مبارزه نمی کردند
ولی پهلوی ها حالا به دستور انگلستان و به دستور اربابان شون برنامه
این بود که دین زدایی بکنن کشور ما رو مثل ترکیه شاید بدتر اما با
عنایات امام زمان علیه السلام. با مجاهدت علما و متدینین نقشه شون
نگرفت و نتونستن به مقاصد خودشون برس

پس پادشاهان که می توانستند سرنوشت مردمشون رو به طرف کمال و
بطرف خوبی ها تغییر بدن ولی هیچکدام این کارو نکردند و برعکس
ملت خود را به بدی کشاندند!

الان بعد از انقلاب شاهدیم که بعد از دو هزار و پونصد سال سلطنت
آدمای بی سواد یا کم سواد یک مجتهد جامع الشرایط و آگاه به همه
مسائل سیاسی در راس این کشور قرار گرفت چگونه کشور ما به سوی
سعادت داره حرکت می کنه و البته امام فرمودند که اگر هیچ فایده ای

برای انقلاب نباشد جز انسان سازی که خیلی ها در این کشور از تاریکی
وارد نور شدند و از تباهی نجات پیدا کردند

نظام اسلامی باعث شد که انسان های زیادی به درجات بالای معنوی
برسند

مثلا سرداران ما در همین مکتب حضرت امام شاگردی کردند و این
چنین بعضی هاشون از حتی عرفا و از علمایی که بیش از پنجاه سال بود
سیر و سلوک داشتن مقامشون بسیار بالاتر بود و درجات معنویشون
خیلی بیشتر بود

نقش علما در سرنوشت جوامع

دومین دسته ای که در سرنوشت جامعه حالا در صلاحش یا در تباهییش

نقش دارن علما هستند ...

حضرت امام هادی علیه السلام یه جمله ای داره می فرماید **اگر در زمان**

غیبت علما نباشند تمام مردم مرتد می شوند

و واقعا جمله خیلی مهمی هست و خداوند عنایت کرد به کشور ما که کشور ما مهد دانشمندان و علما بوده و این علما توانستند ایران رو به اصطلاح تشیعش رو حفظ بکنن این میل مردم به اهل بیت رو محبت اهل بیت و در دل های مردم بیشتر قرار بدن تا به اینجا برسیم که الان ایران اسلامی مرکز نشر معارف الهی در کره زمین شده است...

در میان علما بعضی هاشون شاخص هستند نقش مهمی داشتن یکی از علما اسمش رو نمی دونیدم کیه ولی ایشان وارد شهری میشود که همه اهل سنت بوده اند.

یه زمانی اون شهر تمامش سنی بودن همه مردم انجا سنی بودند این
عالم می ره ان شهر. به عنوان مبلغ اسلام و چهار سال ایشون هر شب
یکی از فضائل امیرالمومنین رو می گه منتها نمی گه این مال امیرالمومنین
است بلکه میگه مال یکی از اصحاب پیامبره هرچی مردم می گن آقا این
کی تویی داری هر شب یه فضیلتی ازش می گه این همه فضیلت داره می
گه بعدا می گم!

چهار سال هر شب یکی از فضائل امیرالمومنین رو برای مردم می گه
بعد از چهار سال می گه بله این شخص حضرت علی بن ابی طالب علیه
السلام و مردم ان شهر همه شیعه میشوند...

یا کتاب حق یقین علامه مجلسی بدست مردم جزیره ای که کافر بودند
رسید. با مطالعه ان همه مسلمان شدند...

علماء شیعه هم در طول تاریخ تشیع، باهمه توانشان از دین حفاظت کردند تا به دست ما
رسیده است

امام امت معتقد بودند حفظ دین از نماز هم واجب تراست و علماء شیعه هم این وظیفه را به
نحو احسن انجام دادند و نگذاشتند این دین الهی همچون مسیحیت و یهودیت دچار تحر
یف شود بلکه با مجاهدت علماء شیعه، اسلام ناب محمدی صحیح و سالم و تحریف نشده

بلکه روشن تر از گذشته به دست ما رسیده است و همین افتخار برای این میراث داران پیامبران کافی است.

امام خمینی رض درباره نقش روحانیت در اسلام فرمودند: ما می بینیم که این اسلام را با همه ابعادش، روحانیون حفظ کرده اند. یعنی معارفش را روحانی حفظ کرده، فلسفه اش را روحانی حفظ کرده، اخلاقش را روحانی حفظ کرده، فقهش را روحانی حفظ کرده، احکام سیاسیش را روحانی حفظ کرده است.

علماء شیعه با مجاهدتهای عظیم خود، توانستند فرهنگ قرآن و فرهنگ اهل بیت ع را اشاعه دهند و بشریت را با این دو امانت پیامبر اسلام ص آشنا سازند

علماء شیعه در طول مدت دوران غیبت کبری وظیفه انسان سازی را به نحو احسن انجام دادند و توانستند هزاران نفر را با معارف الهی آشنا کنند و آنها را از تاریکی و ظلمات گناه و جهل و بی دینی، به نور ایمان و علم و تقوا رهنمون شوند. مخصوصاً امام امت که واقعا اعجاز کردند و با این انقلاب عظیم میلیونها نفر را در داخل کشور و خارج متحول کرده، الهی نمودند.

اینکه با وجود این همه ظلم به شیعیان، شیعیان باشکوه تر از گذشته به راه خود ادامه می دهند و هر روز بر تعداد پیروان اهل بیت ع در دنیا افزوده می گردد به برکت مجاهدتهای علماء و فقهاء شیعه می باشد

علمای یهود مردم خود را بدبخت کردند!

علمای یهود کاری کردند که این امت یهود و مردم بنی اسرائیل این همه جنایت ها، این همه خیانت ها، این همه ظلم ها در حق بشریت رو مرتکب شدند علمای یهود اعلام کردند که ما برگزیده هستیم!

امت یهود برگزیده هستند و ما فقط انسانیم و غیر ما انسان نیستند لذا سوال کردن از این خاخام ها که شما چرا اجازه می دید سربازان اسرائیل، بچه ها و زنهارو قتل عام کنند؟ میگن خب اینا که آدم نیستن اینا اسبن !

خدا در قرآن جواب اینا رو در سوره جمعه داده است:

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

(جمعه ایه 6)

بگو: ای یهودیان! اگر گمان می کنید که فقط شما دوستان خدايید نه

مردم دیگر، پس آرزوی مرگ کنید اگر راستگویید [چون دوستان خدا
[.برای رسیدن به لقاء او مشتاق مرگ هستند]

اما هرگز اینا تمنای مرگ و آرزوی مرگو ندارن بلکه دوست دارند هزار
سال عمر کنن

کشیش ها بجای هدایت مردم، آنها را گمراه کردند و می کنند!
علمای مسیح اکثرا در قبل از رنسانس، با علم و دانش مبارزه می کردند.
انها با اینکه اکثرشان می دانند اسلام برحق است ولی با اسلام مبارزه
کردند و می کنند

پرونده های زیادی از کشیش ها در دادگاهای دنیا وجود دارد که از انها
بخاطر تجاوز جنسی شکایت شده است!

اینهمه اسرائیل جنایت می کند ولی خبری از اعتراض کشیش ها به این
رژیم کودک کش و جنایتکار نیست!

و ما می بینیم فساد و فحشا در غرب بیداد می کند ولی کشیش ها بی
تفاوت هستند...

بنابراین علماء در هر امتی می توانند امت خودشون رو ملت خودشون رو
در مسیر درست قرار بدن یا در مسیر نادرست قرار بدن...

مدیر کل اطلاعات یکی از استانها در سال نود خدمتشون بودیم می گفتش
که من در یه شهری در یکی از استانهارئیس اداره بودم آمارهایی که می
آمد درباره آسیب های اجتماعی و آسیب های مختلف مثل مثلا خودکشی
مثل طلاق مثل سرقت مثل سرقت احشام و نزاع دسته جمعی و ... دیدم
از یک بخشی آمار منفی اصلا نمیاد! از همه بخش ها آمار داریم از یه
بخش ما هیچ آمار منفی نداریم تعجب کردم گفتم من باید برم بینم این
قضیه چیه رفتم بررسی کردم متوجه شدم در زمان طاغوت یک عالمی را
به این منطقه تبعید کردند وایشان این چند سالی که در این منطقه بوده
مردم رو مومن بار آورد نه نزاع دسته جمعی دارن نه سرقت دارن نه
طلاق دارن نه خودکشی بینشون هست و..

دسته سوم برای تغییر سرنوشت جامعه ، خواص جامعه هستند .

در کشور ما بخشی از خواص کشور ایران افرادی به عنوان روشنفکران
غرب زده هستند.

از زمانی که فتحعلی شاه به پادشاهی رسید پسرش عباس میرزا عده ای
از جوان ها رو فرستاد بعد برای تحصیل به اروپا تا تحصیل کنند و
برگردند به ایران خدمت کنند

اینا وقتی که رفتن کشورهای غربی و اون زرق و برق و اون ظاهر تمدن
غرب رو دیدن و بعد هم جذب فراماسونرها شدند در لژ های اونا
عضو شدن اینا وقتی که برگشتن شروع کردن به ضدیت با دین و
گفتند که دین افیون توده هاست

علتش هم این بود که در غرب مانع پیشرفت مردم غرب کلیساها بودند
کلیسا ها تا قرن هیجدهم با علم و عالم مبارزه می کردن مثلا گالیله
گفت زمین کرویّه

گاليله رو محاکمه کردند چرا می گی زمین کروه و کاری کردن می
خواستن اعدامش کنن گفت بابا خب شما می گید کروی نیست باشه ولی
با گفتن من زمین از کروی بودن خارج می نمیشه

کلیساهای خیلی از دانشمندان رو محاکمه کردن و در آتش سوزاندند لذا
اینه که وقتی که پیشرفت های غربی شروع شد کلا کلیسا رو کنار زدن
الان در غرب کلیسا قدرتی نداره ولی در ایران برعکس بوده پادشاهان
مانع پیشرفت بودند نه علماء

از زمانی که پادشاهان رفتند پیشرفت ایران شروع شد
این روشنفکران خیال کردن چون در غرب علم به وسیله کنار زدن دین
به درجات بالا رسید در ایران هم اینجوریه در حالی که اصلا اسلام حامی
علم و دانشه

و ما پنج قرن تمدن اسلامی داریم از قرن دوم تا قرن هفتم اونجا
مسلمون ها دانشمندان شون پیش قراول بودن و اروپایی ها پشت سر
مسلمون ها بودن دانشمندان اروپایی افتخار می کردن نام بوعلی سینا رو
در کتاب هاشون بیارن نام زکریای رازی رو بیارن

جهان پر از دانشمندان مسلمان بود چرا چون اسلام به علم خیلی ارزش
قائله مثلا ما روایت داریم می گه اگر یک عالمی از کنار قبرستان عبور
کنه خداوند به خاطر عبور این عالم از کنار قبرستان تا چهل شبانه روز
عذاب از اونجا میبره و یا نگاه کردن به در خانه عالم عبادت مثلا شما از
در خانه آیه الله نجومی رد می شه به در خانه اش نگاه کنید عبادت انجام
دادید.

و این رو ما دیدیم که کشیشی آمده بود جماران چشمش افتاد به
سادگی جماران شروع کرد گریه کردن گفت تا یک ساعت پیش پاپ
رهبر من بود ولی از این ساعت این امام خمینی رهبر منه. لذا علمای
مسلمان این چنین هستند که نگاه به درخانه آنها هم باعث میشود که
انسان ها عبرت می گیرند و در مسیر درستی حرکت می کنند

این مشکلاتی که ما الان داریم که خیلی جاها آسیب های اجتماعی ما
بالاست زندان های ما پر هست از این معتاد ها و افراد دیگه علتش هم
اینه که به علم و دانش اکثر مردم توجه ندارند ...

پیروی از ولی خدا عامل سعادت امت ها...

یکی از بهترین راه های سعادت جوامع اینه که امت ها از ولی خدایی که
خدا مشخص کرده تبعیت کنند

خوشا به حال اون امت هایی که از ولی خودشون تبعیت کردن که ما در
طول تاریخ کم داریم یه امتی که هرچی ولی خدا بگه پیامبر خدا بگه امام
معصوم بگه تبعیت کنند.

لذا یازده امام ما در حالی به شهادت رسیدند که از مردم زمان خودشون
راضی نبودند هیچ کدام از امامان ما از مردم زمان خودشون راضی
نبودند...

پیامبر اکرم(ص) در حالی از دنیا رفتند که از مردم راضی نبودند

چون افرادی بودند علنا با پیامبر خدا مخالفت می کردند!

مثلا :

سمره درخت خرمایی در باغ یکی از انصار داشت و آن انصاری با زن و
فرزندانش در آن باغ زندگی می کرد. سمره، از آنجا که انسان فاسدی

بود، بدون در زدن یا اجازه گرفتن به بهانه رسیدگی به درختش، وارد خانه انصاری می‌شد.

انصاری به سمره گفت: «هرگاه خواستی وارد خانه شوی، در بزن. این کار . «تو امنیت خانواده ما را از بین برده است

سمره گفت: «نه، این درخت ملک من است و من در ملک خودم از 214 . «کسی اجازه نمی‌گیرم

هرچه انصاری خواهش کرد، سمره نپذیرفت و سخنان انصاری هیچ فایده‌ای نداشت.

انصاری نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله رفت و از سمره شکایت کرد. پیغمبر صلی الله علیه و آله سمره را فراخواند و به او فرمود: «هرگاه . «خواستی وارد خانه انصاری بشوی، از او اجازه بگیر

. «سمره گفت: «اجازه نمی‌گیرم، زیرا ملک من است

پیغمبر صلی الله علیه و آله هنگامی که سرسختی او را دید، به او پیشنهاد داد که درخت را به انصاری بفروشد. سمره گفت: «من در فروختن ملکم . «آزادم و نمی‌فروشم

پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت: «اگر این درخت را به انصاری واگذار . «کنی، من ضمانت می‌کنم که ده درخت در بهشت به تو بدهم

. «سمره گفت: «من نیازی به درختان بهشتی ندارم

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله ناراحت شد و به انصاری دستور داد: «درختش را از ریشه بکن و به صورتش پرتاب کن». سپس حضرت به سمره بن جندب - که اسمش را صحابی گذاشته‌اند - گفت: «تو انسانی هستی که در صدد زیان رساندن به مسلمانان هستی

سمره پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به دامن معاویه رفت و به دستور معاویه جنایت‌های بزرگی انجام داد. سمره از جانب معاویه والی بصره شد و به مدت هجده ماه در این سمت باقی ماند و در این مدت هشت هزار نفر را کشت. تاریخ نوشته است: «روزی یکی از مسلمانان با ایمان بصره نزد سمره آمد و حقوق شرعی‌اش را به او داد،

سپس به مسجد رفت تا نماز بخواند. پس از خواندن نماز و در حال 215 خارج شدن از مسجد بود، که سمره دستور داد سرش را بزنند. جلادان آن‌چنان سرش را با شمشیر زدند که سرش داخل مسجد و بدنش بیرون از مسجد افتاد. از سمره پرسیدند: "چرا او را کشتی در حالی که هم حقوق شرعی‌اش را پرداخت کرد و هم نماز خواند؟" سمره در پاسخ گفت: "من به او شک کردم

". گفتند: "شاید او انسان خوبی بود

«سمره گفت: "اگر انسان خوبی بود، من او را زودتر به بهشت فرستادم

.

هر روز گزارش جنایت‌های سمره به معاویه می‌رسید. معاویه او را فراخواند و از او پرسید: «آیا احتمال نمی‌دهی که یکی از این انسان‌هایی که تو کشتی، بی‌گناه باشد؟»

سمره گفت: «اگر اجازه دهی هشت هزار نفر دیگر را هم می‌کشم. معاویه از این رفتارش ناراحت شد و او را برکنار کرد

، نقل می‌کند: همراه گروهی از علما و بزرگان¹ ابو صالح، راوی ابن عباس بصره به دیدن سمره رفتیم. دیدیم او لمیده است و در مقابلش دو قدح قرار دارد که در یکی شراب و در دیگری یخ بود. به او گفتیم: «این چه کاری است؟» اطرافیان او در پاسخ به ما گفتند: «ایشان نقرس دارد و با² خوردن شراب مقداری آرام می‌گیرد...»¹

تو جمهوری اسلامی هم ما داشتیم از این آدم‌های مریض جز خواص بودن ولی مریض بودن اینا مقابل حضرت امام مقابل در زمان مقام معظم رهبری همین اصلاح طلبا سرانشون این فتنه گرا یعنی این آقای موسوی

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 4، ص 77¹

این آقای کروی این آقای خاتمی اینا نمی دونن مقام معظم رهبری بر حق هست می دونند ولی دل‌های اینها مریض است!

آقای منتظری نمی دونست که حضرت امام ولی خداست؟

یه شخصی در نجف با امام زمان علیه السلام ارتباط داشت یکی از علمای قم به نام حاج آقای الهی می گه من پیش این شخص می رفتم یه روز از او سوال کردم شما با امام زمان ملاقات داری امام زمان درباره آیت الله خمینی چیزی نگفته؟

گفت چرا گفته. امام زمان فرمود ایشون ظهور مرا هزار سال جلو انداخت و باز نمونه های دیگه ای هست که نشان می دهد حضرت امام ولی خدا بودند.

از جمله یه شیخی بود در نجف با امام مخالف بود و به طلبه ها می گفت درس ایشون نروید

اما یه روز دیدند این شیخ مخالف امام ، صبح زود آمد شروع کرد دیوار خانه امام را بوسیدن. در خانه را امام بوسیدن

گفتند آقا چی شده؟

گفت دیشب امام زمان در خواب به من نشون داد که حضرت امام بر حقه

طلبه ای از پاکستان که در قم بود گفت وقتی که انقلاب شد پدر من در پاکستان گفت پسر جان ولی خدا در ایران ظهور کرده برو ایران

حضرت امام یقیناً ولی خدا بودند و در طول انقلاب به وسیله امام زمان پیام هایی به ایشان می رسید و ایشان بر اساس اون پیام ها انقلاب و راهنمایی می کردند مخصوصاً بحث بیست و یک بهمن و کودتایی که طاغوت می خواست به وسیله اون کودتا سران انقلاب رو از بین ببرد و انقلاب رو به شکست بکشاند و حضرت امام متوجه شدند فرمودند که این حکومت نظامی خدعه هست و مردم به خیابان ها بریزند...

و دلایل خیلی زیادی ما داریم که حضرت امام مورد عنایت ویژه امام زمان علیه السلام قرار داشتند

آیت الله حق شناس از عرفای بزرگ ایران، ایشان فرمودند که من جایی مهمان بودم و بعد هم افرادی که اونجا بودند همه علیه امام صحبت

کردن و من دفاع می کردم ناهار خوردم آدمم خانه خوابیدم امام زمان
علیه السلام را در خواب دیدم

امام زمان (ارواحنا فداه) مرا عتاب کرد که چرا نشستی و ناهار خوردی
در منزل کسی که بدی امام خمینی (ره) را می گفت...

ضرت امام که ولی خدا بودند و مورد حمایت امام زمان علیه السلام قرار
داشتند توانستند با رهبری های حکیمانه خود ، سرنوشت مردم ایران را
بسوی سعادت برگردانند.

افرادی بودند که این ها باعث شد عده ای از مردم بدبخت باشن به نام
مدعیان دروغین مثلا من چند نمونه اشاره می کنم:

پسر امام صادق به نام عبدالله افطح کف پایش صاف بود می گفتند افطح
این می گفت من امامم امام کاظم امام نیست

حتی امام کاظم ایشان رو دعوت کردن خانه شون و دستور دادن تنور
روشن کردن و امام کاظم رفتن وسط آتش تو تنور نشستن فرمودند به
اصحاب سوالاتتون رو مطرح کنید مدتی تو تنور بودن از همونجا جواب
سوال ها را می دادند بعد از تنور بیرون آمدند به عبدالله برادرشون

فرمودند عبدالله اگر خیال می کنی تو امامی برو داخل تنور ولی عبدالله
عباشو سرش کشید رفت. امام کاظم علیه السلام **فرمود عبدالله یرید ان**
لا یعبدالله!

عده ای از مردم اینا پیرو عبدالله افطح شد بشون می گفتند فطحیه
این سرنوشت بدی پیدا کردند چون در راه باطل حرکت کردند
مورد بعدی وقتی که امام کاظم به شهادت رسیدند متاسفانه وکیل امام
کاظم به نام علی بن حمزه بطائنی کنیز های خوشگلی به عنوان خمس
پیشش بود پول هایی پیشش بود به عنوان خمس خب اینا رو باید تحویل
امام هشتم بدهد

اما برای اینکه اینهارو تحویل امام رضا نده گفت ای مردم دیگه امامت
تموم شد امام کاظم همون امام زمانه! فعلا رفته کوه رضوی و غایبه تا
بعدا ظهور کنه

بعد که علی بن حمزه مرد امام رضا فرمود فرمود شب اول قبر نکیر و
منکر آمدند گفتند امام ها را نام ببر!

اوهم امام هارا نام برد تا امام هفتم دیگه امام رضا(ع) را قبول نداشت
نگفت!

یه گریزی زدن تو قبرش پر از آتیش شد!

جعفر برادر امام عسکری پدرش امام هادی برادر امام عسکری
برادرزاده امام زمان ولی جعفر اهل تنبور اهل شراب اهل قمار بود ویه
عده دنبال اینا افتادند

شلمقانی وکیل امام عسکری بود اونم ادعای دروغین داشت و حرامهارو
حلال اعلام کرد و یه عده را دور خودش جمع کرد و منحرف کرد
وحضرت عسکری(ع)لعنش کرد .امام زمان لعنش کرد
متأسفانه در طول تاریخ مدعیان دروغین که باعث انحراف مردمی شدند
داشتیم

چند روز قبل یک کسی رو گرفتن به وسیله حفاظت اطلاعات سپاه یکی
از استان ها که ادعای امام زمانی داره پیروانی در تهران و البرز داره با
زن ها زنا زیاد کرده اجنه در تسخیرش هستند و....

و اگر یادتون باشه بی بی زهرا در جزیره مینو در آبادان چقدر از افراد و در همین استان اغفال کرد افراد می رفتن خوزستان این زن رو ببینن که مثلا حاجتشون رو برآورده کنه مثلا اگر بچه می خواستن و...

و همچنین در شهرهای مختلف از این افراد فراوان در قم علیرضا پیغان در سال 1383 دستگیر شد می گفت من امام زمان هستم و می گفت حضرت مهدی که امام دوازدهم بوده از دنیا رفته! قبرش جمکرانه و به پیروانش می گفت به طرف جمکران نماز بخونید!

همچنین از مدعیان دروغین دراویش هستند!

دراویش همین الان هم فعال هستند

چقدر اینها از این مردم رو گمراه کردند

همچنین موسس اهل حق یعنی سلطان اسحاق که قبرش در پاوه است این موسس الحق در ایران در عراق در ترکیه در سوریه همین سلطان اسحاق است که عده زیادی از مردم را گمراه کرده است...

خب این کسانی که به دست این آقای سلطان اسحاق اهل حق شدن و
الان هستند با پیروی از یک ولی شیطان عاقبت به شر شدن و سعادت
ازشون سلب شد

الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیاهم
الطاغوت یخرجون من النور الی الظلمات

ولی شیطان انسان رو از نور وارد تاریکی می کنه از اون فطرت خودش
فاصله می گیره و تبدیله می کنه به یک انسان آلوده

همین آقای ترامپ ادعای پیامبری کرده گفته که من توسط خداوند برای
ایالات متحده برگزیده شده ام تا آمریکا را دوباره به شکوه برسانم
همین آقای زناکار که چقدر زنا کرده چقدر پرونده های شکایت داره
چقدر به قول شهید سلیمانی قمارباز فاسد یک عنصر فاسد ادعا دارد از
طرف خدا امده!

وحدت امت ها عامل سعادت

یکی دیگر از راه هایی که سرنوشت انسان تغییر پیدا بکنه خوب بشه مسئله برادری و وحدت هست پیامبر اسلام اولین کاری که در مدینه انجام دادن جزو اولین کارهایی بود که بین همه مردم برادری ایجاد کردند ایشان بین عمر ابوبکر برادر ایجاد کرد فقط برای حضرت علی

برادر انتخاب نکردن حضرت علی (ع) عرضکرد یارسول الله برا من برادر
انتخاب نکردید

پیامبر خدا(ص) فرمود تو برادر من هستی

این ایجاد اخوت و برادری باعث شد که دعوی بین اوس و خزرج که
صد سال ادامه داشت و عده زیادی کشته می شد این دعوا از بین رفت ...

همچنین حضرت امام چقدر ایشان حکیم بودند کشور ما با این همه
اختلاف نژادها و مذاهب توانستند در این کشور وحدت ایجاد کنند و می
فرمودند وحدت رمز پیروزی است مقام معظم رهبری ناسزا گفتن به
عایشه را حرام اعلام کردند این مجالسی که به اسم عید الزهرا هست اینا
رو حرام اعلام کردن دشمن سو استفاده می کنه دشمن از خداشه که
سنی و شیعه و الحق غیره با هم نزاع داشته باشند بنابراین هر کسی که
بخواد به این وحدت ضربه بزنه یه کتابی مثلا بنویسه علیه اهل سنت مثلا
در این زمان این کتاب خودش به اصطلاح گناه است به جای اینکه برای
نویسنده اش ثواب بنویسه شاید گناه بنویسند

و یا برعکسش و هر چیزی که باعث اختلاف بشه گفتند این ندا ندای
شیطانیه هر ندایی که باعث اختلاف بین مسلمانان بشه

نقش نهی از منکر در سرنوشت امت ها

همچنین از عوامل سعادت مسئله نهی از منکر هست که در روایته
پیامبر فرمود اگر امتی امر به معروف نکنند آماده عذاب باشند

اینکه فرشته ای بنام فطرس به وسیله خدا از کار برکنار شد این بود که فطرس از طرف خدا ماموریت پیدا کرد بیاد یک قومی رو عذاب کنه فطرس وقتی که آمد نگاه کرد دید شصت درصد مردم نماز خونن چهل درصد بی نمازن دلش نیامد دستور خدا را انجام نداد خدا فرمود چرا دستور رو انجام ندادی گفت خب خدایا اینا شصت درصدشون آدمای خوییند چهل درصد بدنند!

خدا فرمود بله ولی این شصت درصد نهی از منکر نمی کنن بله عبادت های فردیشون رو انجام می دن به قول امروزیا نمازشون رو می خونن روزشون رو می گیرن خمس وزکات شون رو می دن ولی همدیگه رو نهی از منکر نمی کنن لذا اون چهل درصد که عذاب می شن اینا شاملشون می شه و فطرس رو به یه جزیره ای خداوند تبعید کرد تا زمان تولد امام حسین(ع) که به وسیله امام حسین(ع) ایشون شفاعت نصیبش شد باینصورت که پیامبر فرمود خودش رو به گهواره امام حسین بماله تا خدا او را ببخشه و جالب اینه که امام عسکری(ع) می فرماید وعاذ فطرس بمهده و نحن عائذون بقبره

یعنی فطرس به گهواره امام حسین(ع) پناهنده شد ما به قبر امام حسین
(ع) پناهنده می شویم

پس این نهی از منکر که الان در جامعه ضعیف شده این ترکش به
اصطلاح باعث می شه که انسان ها سرنوشت بدی پیدا کنند

یکی از عوامل تغییر سرنوشت امت ها مسئله جهاد هست

آمریکا به قرآنی چاپ کرده به نام قرآن قرن بیست و یکم تمام آیات
جهاد رو حذف کرده

در مسیحیت می گن اگر کسی به گونه راست شما سیلی زد گونه چپ رو
بگیر و بگو یکی هم اینجا بزن

ولی اسلام میگه اگر به شما ظلم کردند شما مقابله به مثل بکنید و
جهاد باعث عزت هست این سید حسن نصرالله اگر جهاد نمی کرد الان
لبنان در اشغال اسرائیل بود اگر جمهوری اسلامی جهاد نمی کرد اگر
مسلمون ها جهاد نمی کردند در صدر اسلام اگر امیرالمومنین با ناکثین با
مارقین با قاسطین جنگ نمی کرد اصلا شاید الان اسلامی وجود نداشت
بنابراین یکی از واجبات بسیار بزرگ در اسلام جهاد است و این
جهاد سرنوشت مردم رو عوض می کنه مردمی که اهل جهاد باشند اهل
مبارزه با دشمنان باشند پیروزند و سرنوشت آنها به سعادت ختم می
شود

اما مردمی که اهل جهاد نباشن بدبخت می شن مثل کشورهای که ما
داریم می بینیم

